



تحلیل نقش نمادین گل و مرغ به روش اسطوره شناسی ژیلبر و با مصداق‌های هنری دوره صفویه تا قاجار

سالار حسن زاده ^۱، اسماعیل بنی اردلان ^۲، ایرج داداشی ^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، salar.hasanzadeh@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران. Bani.ardalan@yahoo.com
^۳ استادیار دانشگاه هنر تهران، شهر تهران، استان تهران، dadashi@art.ac.ir.yahoo.co

چکیده

ذات هنرهای اسلامی و به تبع آن نقاشی اسلامی- ایرانی است که گل و مرغ، قسمت کوچکی از آن به حساب می‌آید. این ویژگی مشتق شده از جهان‌بینی و ایدئولوژی دین اسلام بوده و منشاء خلاقیت هنری آن دارای یک نظام پیش‌متنی بازنمودی است. روایت گل و مرغ با روش آیکونولوژی پانوفسکی قابل تحلیل بود. اما در اینجا با نقش‌مایه‌ای مواجهیم که واضحاً به یک داستان یا واقعه‌ی خاص نمی‌پردازد. بنابراین تحلیل محتوای اثر در این گام باید به شکلی روشمند و نظام‌مند انجام شود. در این نوشتار شیوه‌ای از به‌کارگیری روش اسطوره‌شناسی ژیلبر دوران مد نظر نگارنده است. ذات هنرهای اسلامی و به تبع آن نقاشی اسلامی- ایرانی که گل و مرغ قسمت کوچکی از آن به حساب می‌آید. که مشتق شده از جهان‌بینی و ایدئولوژی دین اسلام بوده و منشاء خلاقیت هنری آن دارای یک نظام پیش‌متنی بازنمودی است. و ریشه‌های آن را می‌توان در کهن‌الگوها، اساطیر و ادبیات عارفانه- عاشقانه ایران جست. در مواجهه مکرر پرنده و درخت چرخه‌ای را بنیان می‌نهند که پیوسته می‌آفریند و تعالی می‌دهد. در پس هر دیدار پرنده و درخت، قوه یا نیرویی نهفته است که به آفرینشی نو منجر می‌شود. پس، مضمون کهن‌الگوی پرنده و درخت همانا "آفرینش نو" است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تحلیل نقش نمادین گل و مرغ به روش اسطوره شناسی ژیلبر.
۲. بررسی نقش نمادین گل و مرغ در دوره صفویه تا قاجار.

سؤالات پژوهش:

۱. نقش نمادین گل و مرغ به روش اسطوره شناسی ژیلبر چگونه است؟
۲. نقش نمادین گل و مرغ در دوره صفویه تا قاجار چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۱۵۰ الی ۱۵۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

روایت‌سازی،

گل،

مرغ،

اسطوره‌شناسی.

ارجاع به این مقاله

حسن زاده، سالار، بنی اردلان، اسماعیل، داداشی، ایرج. (۱۴۰۱). تحلیل نقش نمادین گل و مرغ به روش اسطوره شناسی ژیلبر و با مصداق‌های هنری دوره صفویه تا قاجار. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۱۵۰-۱۵۹



[dori.net/dor/20.1001.1.17383.1743](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.3.7383.1743)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.3.7383.1743

مقدمه

ذات هنرهای اسلامی و به تبع آن نقاشی اسلامی- ایرانی که گل و مرغ قسمت کوچکی از آن به حساب می‌آید. این شاخصه که مشتق شده از جهان‌بینی و ایدئولوژی دین اسلام بوده و منشاء خلاقیت هنری آن دارای یک نظام پیش‌متنی بازنمودی است و ریشه‌های آن را می‌توان در کهن‌الگوها، اساطیر و ادبیات عارفانه- عاشقانه ایران جست. از دوره قاجار به بعد تفسیر گل، معشوق و پرنده عاشق؛ به تاسی از ادبیات استعاره‌ای است. در این فرآیند، اشیاء و امور با تقلید از طبیعت به صورت ناتورال یا شرقی، معنایی را صورت‌بخشی می‌کنند و یا عین به عین از طبیعت تقلید نموده آن را غربی و رئالیسم می‌نامند. در این بین، تأثیر مکتب سونگ و حکمرانی چندین قرن مغولان بر ایران بی‌تأثیر نبوده و نیست. ردپای هنر چینی با نقوش و نگاره‌ها، موتیف‌ها و مضامین شرقی در فلات ایران طی قرون متمادی حکومت ایلخانیان و تیموریان و صفویان چنان تعالی یافت که از اواسط دوره صفویه نقش‌مایه گل و مرغ بومی محسوب می‌شود. به‌طوری که در کتاب‌آرایی منافع‌الحيوان، عجایب‌المخلوقات، ورقه و گلشاه و ... چندین اثر فاخر و مکتوب دیگر برجای مانده از آن روزگار می‌توان رد پای گل و مرغ با منشاء شرقی را به راحتی پیدا کرد. مواجهه مخاطب با انبوهی از آثار گل و مرغ با نوع نگاه معنا یا صورت محور ذیل نقاشی ایرانی نگارنده را برآن داشت که مضمون و موتیف چنین آثاری را از اصل و اساس مورد مطالعه قرار دهد. پیش‌متن‌های شروع و خلق اثر را دنبال کند و در نهایت به شناخت آن نائل آید. بدون ریشه‌یابی برای پرسش‌های بنیادین در ساحت خلق، درک و نقد آثار هنری ماندگار در سبک گل و مرغ حتی با تمیز انبوهی از داده‌های توصیفی و تاریخی محض، پاسخی مناسب به دست نمی‌آید. برخی از هنرمندان، ساحت عمل را بر ساحت نظر ترجیح می‌دهند ولی اگر توضیح مختصری درباره یک اثر گل و مرغ از هر کدام از طرفداران این ساحت‌ها خواسته شود در جواب آن چه چیزهایی خواهد گفت؟ دوری از تحلیل و نزدیکی به توصیف هر اثر هنری یعنی قرارگیری در سراسیمی افول و مرگ اثر هنری که میرفندرسکی در رساله صناعیه زوال هنر را تذکر می‌دهد. توصیف و تحلیل روش‌مند و نظام‌مند هر اثر هنری برای طالبان آن هنر مفید فایده خواهد بود.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی نقش‌مایه گل و پرنده در دوره صفوی و قاجار پرداخته‌اند. جهانبخش و شیخی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی پیرامون نقش گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ایران (دوره زندیه و قاجاریه)» به بررسی این نقش‌مایه حاکی از است که نقاشان در این بازنمایی از طبیعت الگو گرفته‌اند. پنجه‌باشی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقش‌مایه مرغ در نقاشی‌های گل و مرغ لطفعلی میرزایی» یک بررسی موردی از این نقش‌مایه در این مقطع تاریخی انجام داده است. در آثار یاد شده به طور مستقیم به موضوع پژوهش حاضر پرداخته نشده است لذا نگارندگان برآنند تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازند.

۱. اسطوره‌شناسی ژیلبر

ژیلبر دوران در سال ۱۹۲۱م در فرانسه متولد شد. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و در پی آن عالییه در رشته فلسفه از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۵ میلادی ابتدا صرفاً در رشته فلسفه و بعد در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مشغول تدریس شد. با هانری کربن و گوستاو یونگ دوستی نزدیکی داشت. از آثار او می‌توان به دانش معرفت انسان و سنت، «تخیل نمادین»، «ساختارهای انسان‌شناسی تخیل، مقدمه بر کهن‌الگوشناسی عمومی»، «صورت‌های اسطوره‌ای و تصاویر اثر، از اسطوره تا اسطوره کاوی» و «اسطوره روش‌شناسی» نام برد.

او با اشراف بر ادبیات و اسطوره به‌طور همزمان و تخصص خاص در امر تخیل، مبدع و در عین حال کاربردی در زمینه نقادی آثار ادبی و هنری تحت عناوین اسطوره‌سنجی و اسطوره‌کاوی است. دوران نوع یا نحوه‌ای از نقد ادبی بنیاد نهاد که به تعبیری ترکیبی از تمامی انواع یا نحوه‌های موجود در این زمینه است اما در عین حال با روح متحول شده زمان نیز تطابق داشت این روش نقادی یعنی اسطوره‌سنجی سعی می‌کند تا در یک اثر هنری از طریق کشف تکرارها و حشوهای معنایی و آنگاه شباهت آنها، به‌طور صریح یا ضمنی با یک اسطوره مرجع که به نحوی با در تاریخ احساسات و عقاید بشری به مفهوم کلی آن مرتبط است، به نقد و تفسیر اثر پردازد (عوض پور، نامور مطلق، ۱۳۹۳: ۲-۱۲).

ژیلبر دوران تمام تخیلات انسانی را در دو منظومه بسیار بزرگ تقسیم‌بندی می‌کند: منظومه روزانه تخیلات و منظومه شبانه تخیلات. ژیلبر دوران یک سری تصاویر را زیر مجموعه منظومه روزانه و یک سری تصاویر را زیرمجموعه منظومه شبانه قرار می‌دهد. رویکرد وی در مورد تصاویر، الهام گرفته از کارکردهای عکس‌العمل‌شناسی است. روز ژیلبر دوران برای طبقه‌بندی تصاویر به این شکل است که وی عکس‌العمل‌های غالب را دسته‌بندی می‌کند؛ وی با شناسایی گروه‌های نمادینی که با حرکت یا ژست‌های اصلی در ارتباط هستند و همچنین جست‌وجوی اشیای برگزیده ای که به دور آنها یک سری نمادها سعی میکنند به صورت طبیعی متجلی شوند، خوشه‌های تخیلی را به دست می‌آورد. اوین روش، مجموعه‌هایی از نمادها که یک درون‌مایه کهن‌الگویی مشترک را گسترش می‌دهند و نیز هم‌شکلی‌ها یا دو قطبی‌ها را از میان تصاویر تعریف می‌کند (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

۲. گل و مرغ در حکم الگوی

قبل از هر کاری توصیف‌های موجود پیرامون موضوع را با نگاه تاریخی در سه طبقه رئال، ایده‌آل و رئال و ایده‌آل توأمان با هم را می‌توان طبقه‌بندی کرد.

رئال: داده‌های منسوب گل و مرغ واقعی مد نظر این گروه را می‌توان در این طبقه جای داد. آبشخور نگاه رئال به الگوی گل و مرغ سه منشاء دارد: (۱) رئال با منشاء شرقی و (۲) رئال با منشاء غربی و (۳) تلفیق این دو. نگاره گل و مرغ در هنر ایران دو کاربرد دارد: (۱) معماری ابنیه (۲) ملزومات و اشیاء.

رونق نگاره گل و مرغ در دوره قاجار به عنوان یکی از سبک‌های نگارگری ایرانی است. عناصر این نقاشی از طبیعت الهام گرفته شده، عناصری همچون گل‌ها، پرندگان و حشرات دیده می‌شود (جهان‌بخش، شیخی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). ریشه‌های خوانش گل و مرغ غیر طبیعی را باید در کارهای رضا عباسی و اواخر دوره صفویه دنبال کرد. آنجا که رضا عباسی

می‌خواهد ارادت خود را به کارهای کمال‌الدین بهزاد نشان دهد و همواره با ارجاع‌دهی بصری و با کمک از دوره‌ای که از کتابخانه سلطنتی قزوین و اصفهان فاصله می‌گیرد. تصویر شماره (۱) یکی از این نمونه آثار رضا عباسی را منعکس ساخته است.



تصویر ۱: نمونه نقاشی گل و بوته از رضا عباسی، قره ۱۱، دوره صفوی مأخذ: (شهادی، ۱۳۸۴: ۷۳).

او سعی می‌کند با ارجاع‌دهی به کارهای بهزاد نقاشی را به موضوعات خوشایند عامه مردم نزدیک کند. "گل و مرغ‌هایی که کاملاً طبیعت‌گرایانه و ماهرانه اجرا شده است تا گلی واقعی را در نظر زنده سازد (عوض پور، ۱۳۹۶: ۱۳). این سبک از نقاشی در این دوره توسط هنرمندان دیگری به دقت و ظرافت تمام انجام شده است. تصویر شماره (۲) نمونه دیگری از این سبک نقاشی طبیعت‌گرایانه است.



تصویر ۲: درخت و مرغ، اثر شفیع عباسی، دوره صفوی، قرن ۱۱ ه.ق، مأخذ: (شهادی، ۱۳۸۴: ۷۳).

این سبک از نقاشی در دوره قاجار نیز تداوم یافته و تبدیل به یکی از نقوش اصلی در نقاشی، طراحی منسوجات و حتی صنعت قالی‌بافی شده است. تصویر شماره (۳) نمونه‌ای از این نوع نقاشی را در دوره قاجار نشان می‌دهد.



تصویر ۳: گل و مرغ، دوره قاجار، اواسط قره ۱۳هـ.ق، هنرمند ناشناس، مأخذ: (کن‌بای، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

محتوای کاربردی این پژوهش، به جهت آنکه به یک پیش‌متن ادبی می‌پردازد با روش آیکونولوژی پانوفسکی قابل تحلیل بود. اما در اینجا با نقش‌مایه‌ای مواجهیم که واضحاً به یک داستان یا واقعه‌ی خاص نمی‌پردازد. بنابراین تحلیل محتوای اثر در این گام باید به شکلی روشمند و نظام‌مند انجام شود. به طوری که حضور این نقش‌مایه به عنوان یک الگوی تکرارشونده در یک بازه‌ی گسترده‌ی مکان‌زمانی قابل فهم شود. درک چنین اثری با بسیاری از روش‌های موجود نقد آثار هنری میسر است. مد نظر این نوشتار شیوه‌ای از بکارگیری روش اسطوره‌شناسی ژیلبر دوران است، که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. با مطالعه‌ی تاریخی-جغرافیایی این نقش‌مایه می‌توان به یک تقسیم‌بندی از انواع هم‌نشینی آن، به شرح زیر رسید.

جدول ۱- «گل و مرغ» طبقه‌بندی انواع ارائه نگاره (نگارنده)

| | | |
|--|-----------------------|------|
| نقش‌مایه‌های اسطوره‌ای پیش از دوره اسلامی | رئال و ایده‌آل توامان | |
| نقش‌مایه‌های شروع دوره اسلامی تا پیش از صفوی | ایده‌آل | |
| نقش‌مایه‌های پیش از دوره صفوی | رئال با منشأ شرقی | رئال |
| نقش‌مایه‌های پس از دوره صفوی | رئال با منشأ غربی | |
| نقش‌مایه‌های دوره افشار تا کنون | رئال-ناتورال | |

اینک می‌توان اینگونه نتیجه گرفت، که با توجه به اینکه نقش‌مایه‌ی گل و مرغ به لحاظ جغرافیایی از چین تا انگلستان و به بیان دیگر از شرق تا غرب عالم رواج دارد و به لحاظ تاریخی از دوره اساطیری تا همین الان به طور پیوسته و با تعدد و تنوع تکرار شده، بی‌شک چیزی بیش از یک الگوی معمولی است، در چنین موردی ما با یک کهن الگو مواجهیم (عوض‌پور، ۱۳۹۶: ۲۲).

۲. کهن الگوی گل و مرغ

پیش از آنکه به ادامه بررسی این نقش‌مایه پرداخته شود لازم است اسطوره‌شناسی دوران را به اختصار توضیح داده شود. اسطوره نزد ژیلبر دوران در یک نظام پنج مرحله‌ای تعریف شده، که به تفصیل در کتاب «درآمدی بر اسطوره‌شناسی، نظریه‌ها و کاربردها» بهمن نامور مطلق آمده است. این نظام در اینجا به طور خلاصه و به فراخور نیاز می‌آید.

جدول ۲- نظام اسطوره شناسی ژیلبر دوران (نگارنده).

| | | |
|---|-------------------------|---|
| زنجیره‌ای تخیلی که با واکنش‌هایی از سوی جسم و نیازهای جسمانی تحریک می‌شود. بازتاب‌ها نخستین و اصلی‌ترین واکنش برای بقا محسوب می‌شوند. | بازتاب (Reflexe) | ۱ |
| بازتاب‌هایی که نزد انسان شکل انتزاعی پیدا کرده اند و به نیرویی نهفته تبدیل شده‌اند. قوه بنیادی‌ترین عامل تخیل است که خود متأثر از بازتاب است. | قوه (Scheme) | ۲ |
| قوه به تصاویری در ذهن انسان تبدیل می‌شود که جنبه‌ی جهانی و سرمدی دارد، این تصاویر کهن الگو هستند و نخستین مرحله تصویرسازی نزد انسان. | کهن الگو (Archetype) | ۳ |
| کهن الگوی فرهنگی شده نزد یک قوم خاص در یک مکان خاص. | نماد (Symbole) | ۴ |
| نماد روایت‌دار. | اسطوره (Symbole) | ۵ |

اینک لازم است تا به ادامه به‌کارگیری این روش پرداخته شود. کهن‌الگویی که این پژوهش در این مجال با آن مواجه است ترکیب از دو مؤلفه پرنده و گیاه است. با توجه به مراتبی که در اسطوره‌شناسی دوران ذکر شد، اکنون برای رسیدن به محتوای شکل‌دهنده‌ی یک کهن‌الگو ابتدا باید در پی آزمودن قدرت آن کهن‌الگو برای تبدیل شدن به نماد و اسطوره و پیامی که از این طریق منتقل می‌کنند، بود. اگر چنین پتانسیلی در یک کهن‌الگو موجود باشد می‌توان با اتکا به تکثر روایات موجود، کهن‌الگوی مربوطه را به چند مؤلفه تقسیم کرد و به این ترتیب حصول معنای پس‌پشت اثر ساده‌تر می‌شود. جستجوی نماد و روایت آن برای گل و مرغ باید با توجه به انواع ارائه‌ی گل و مرغ که در جدولی در بالا آمد، صورت گیرد (نامورمطلق، ۱۳۹۲: ۲۵ - ۳۵).

جدول ۳- طبقه‌بندی نمادهای موجود برای کهن‌الگوی گل و پرنده (نگارنده).

| روایت | نماد | | |
|---|--------------|--------------|-----------------------|
| | پرنده | گیاه | |
| بدون روایت | | | |
| سدره المنتهی منزل و ماوای حضرت جبرئیل است و هر بار که پیامی از عرش به زمین می‌آورد، از روی این درخت برمیخیزد و به آن باز می‌گردد. | سدره المنتهی | جبرئیل # | ایده آل |
| در روایات زرتشتی آمده است، آشیان سیمرغ در البرز کوه بر فراز درخت گئوکرن است. این درخت در بر دارنده ی تخم همه ی گیاهان است و هر بار که سیمرغ از روی آن برخیزد هزار شاخه بر آن بروید و هر بار که بنشیند هزار شاخه بشکند و تخم گیاهان پراکنده شود. | درخت زندگی | سیمرغ | رئال و ایده آل توامان |
| روایت ندارد. | نمادین نیست. | نمادین نیست. | رئال |

در وصف صورت حقیقی حضرت جبرئیل آمده است که او شش صد بال مرصع به در و مروارید دارد و در شرق و غرب عالم پرواز می‌کند (ابن‌حنبل، ۴۰۷/۱؛ بخاری: ۸۴ ۸۳ /۴؛ مقدسی، ۱۷۳؛ قزوینی: ۹۱ ۹۲؛ قس‌الاختصاص: ۴۵ ۴۶ به نقل از محمدیان عمرانی: ۲۰۱۸). با توجه به روایاتی که ذکر شد معلوم می‌شود، کهن‌الگوی پرنده و درخت برای نقشمایه‌ی گل و مرغ به درستی شناسایی شده، در اینجا عوض‌پور به دنبال درک چرایی اهمیت این کهن‌الگو برای انسان، یعنی دریافت مضمون این کهن‌الگو، آن را به دو کهن‌الگوی انسان و درخت و انسان و پرنده تقسیم می‌کند، تا

رابطه‌ی انسان با هر یک از این مؤلفه‌ها را به درستی دریابد. مجدداً برای دریافت مضمون هر یک از این کهن‌الگوها ابتدا به مطالعه‌ی نمادها و روایات آنها متوسل می‌شود.

جدول ۴- طبقه بندی روایت‌های موجود برای کهن‌الگوی انسان و گیاه. (نگارنده)

| | | |
|------------------------------------|---|---|
| کهن الگوی انسان و گیاه | روایت دینی (روایت ایده آل) | در روایات دینی، در آغاز آفرینش، هنگامی که آدم و حوا در جنت ساکن هستند، خداوند آنها را از نزدیک شدن به یک درخت منع می‌کند. اما شیطان آنها را برای نزدیک شدن به درخت وسوسه می‌کند و نهایتاً وقتی فریب شیطان را می‌خورند، خداوند آنها را از جنت می‌راند. و با هبوط به زمین، نخستین انسان‌ها به دنیا می‌آیند. |
| | روایت اسطوره‌ای (روایت رئال-ایده آل) | در روایات اسطوره‌های ایرانی و زرتشتی، هنگامی که کیومرث در گذشت از تخم‌هی او که بر زمین افتاد، شاخه‌های ریواس روید که چون دو پیکر به هم پیچیده بود، پس از چندی این گیاه به انسان تبدیل شد و اولین انسانها در آیین زرتشتی یعنی مشی و مشیانه به وجود آمدند. |

۳. مضمون کهن‌الگوی گل و مرغ

در اینجا با تطبیق دو روایت فوق و در نظر داشتن وجه کهن‌الگویی آنها اینگونه نتیجه گرفته میشود که مضمون کهن‌الگوی انسان و درخت در هر دو نوع روایت ایده‌آل و رئال-ایده‌آل آن "به دنیا آمدن نخستین انسان‌ها" است (عوض پور، ۱۳۹۶ : ۴۰).

جدول ۵- طبقه بندی روایت‌های موجود برای کهن‌الگوی انسان و پرنده. (نگارنده).

| | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|--|
| کهن الگوی انسان و پرنده | روایت دینی (روایت ایده آل) | در میان روایات دینی که به ارتباط انسان و پرنده پرداخته اند، شاخص‌ترین آنها، روایت عروج حضرت پیامبر با همراهی جبرئیل است، پیشتر ذیل صورت پرنده ی جبرئیل سخن گفته شد. در داستان معراج جبرئیل پیامبر را تا مرتبه‌ای همراهی می‌کند و وقتی بر درخت سدره می‌نشیند، پیامبر به تنهایی به عروجش ادامه می‌دهد. |
|-------------------------------------|-------------------------------|--|

| | |
|---|---|
| یکی از برجسته‌ترین روایات موانست انسان و پرنده در اساطیر، روایت زال و سیمرغ است که پس از آن که زال توسط خانواده‌اش در دشت رها می‌شود، سیمرغ او را به لانه خود در کوه می‌برد و می‌پرورد. | روایت اسطوره‌ای (روایت رئال-ایده‌آل) |
|---|---|

در انتهای این بخش نیز نتیجه گرفته می‌شود، که کهنالگوی انسان و پرنده در هر دو نظام رئال و رئال-ایده‌آل به لحاظ مضمونی به "عروج انسان" راه می‌برد (عوض‌پور، ۱۳۹۶: ۴۶).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این مطالعات اینگونه تحلیل می‌شود که، از آنجا که انسان و پرنده و درخت را می‌توان نمایندگان سه گونه از جانداران برشمرد و با اندکی مسامحه آنها را نماینده همه‌ی موجودات جاندار جهان به شمار آورد. در این میان رابطه‌ی متقابل انسان و درخت با دیدی فیزیکی یعنی رابطه‌ی متقابل زیر زمین و زمین و به همین منوال رابطه‌ی متقابل انسان و پرنده، یعنی رابطه‌ی متقابل روی زمین و زمین و نهایتاً بدین راه می‌برد که، ترکیب دو کهن الگوی مد نظر؛ کهن الگوی انسان و درخت، و کهن الگوی انسان و پرنده، با رویکردی واقع‌گرایانه، از طرفی یعنی همه‌ی جانداران جهان، و از طرف دیگر به لحاظ فیزیکی یعنی همه‌ی جهان. در مرحله بعد با ترکیب مضمون کهن الگوی انسان و درخت، یعنی آفرینش، و مضمون کهن الگوی انسان و پرنده، یعنی عروج، بر قوسی صعودی دلالت دارد که از سرآغاز تا سرانجام حیات بشری را شامل می‌شود، این قوس همه‌ی جهان را در می‌نوردد و همه‌ی موجودات آن را با خود درگیر می‌کند. در واقع کهن الگوی پرنده و درخت بر رابطه‌ی متقابل این دو مولفه استوار است، با پیگیری تداوم رابطه‌ی متقابل مذکور تبیین مضمون دقیق کهن الگوی مد نظر تسهیل و تسریع می‌شود؛ به این صورت که در جوار درخت آفرینشی رخ می‌دهد که پرنده آفریده‌ی منتج از آن آفرینش را به حد اعلای ذات خود عروج می‌دهد، و این پیوسته تکرار می‌شود: هر گاه که سیمرغ از درخت‌زندگی بر خیزد هزار شاخه از درخت روید و هر گاه بر درخت بنشیند هزار شاخه از آن بشکند و تخم همه گیاهان پراکنده شود، و در روایات دینی نیز هر گاه که حضرت جبرئیل از درخت سدره المنتهی بر خیزد وحیای نو بر پیغمبری ابلاغ می‌شود و هر گاه که بر درخت بنشیند یعنی عروجی دگر باره رخ داده است. این گونه است که مواجهه مکرر پرنده و درخت چرخهای را بنیان می‌نهد که پیوسته می‌آفریند و تعالی می‌دهد. در پس هر دیدار پرنده و درخت، قوه یا نیرویی نهفته است که به آفرینشی نو منجر می‌شود. پس، مضمون کهن الگوی پرنده و درخت همانا "آفرینش نو" است.

منابع:**کتاب‌ها:**

بنی‌مسنی، عبدالله. (۱۳۹۱). نقد آراء داوکینز در باب وجود خدا با تاکید بر اندیشه‌های شهید مطهری، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

دومزیل، ژرژ. (۱۳۸۳). بررسی اسطوره در اساطیر ایرانی و هندی. ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی. تهران: نشر قصه.

دومزیل، ژرژ. (۱۳۸۳). سرنوشت جنگجو. ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی، تهران: نشر قصه.

دومزیل، ژرژ. (۱۳۸۳). سرنوشت شهریار، ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی، تهران: نشر قصه.

زیباکلام، صادق؛ اتفاق، فرشته. (۱۳۸۸). هاشمی بدون روتوش، تهران: انتشارات روزنه.

شهدادی، جهانگیر. (۱۳۸۴). گل و مرغ (دریچه‌ای بر زیباشناسی ایرانی)، تهران: خورشید.

عوض‌پور، بهروز. (۱۳۹۶). رساله‌ای در باب گل و مرغ، تهران: کتاب‌آرایی ایرانی.

عوض‌پور، بهروز. (۱۳۹۵). رساله‌ای در باب اسطوره کاوی. تهران: مؤسسه کتاب‌آرایی ایرانی.

کنبای، شیلا. (۱۳۸۲). نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.

نامورمطلق، بهمن؛ عوض‌پور، بهروز. (۱۳۹۴). اسطوره و اسطوره‌شناسی در نزد ماکس مولر، تبریز: موعام.

نجفی کاشف‌الغطاء، مهدی. (بی‌تا). مورد الأنام، چاپ ۱، نجف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام، چاپ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مقالات:

جهانبخش، هانا؛ شیخی نارانی، هانیه. (۱۳۹۵). «پژوهشی پیرامون گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ایران (دوره زندگی و قاجاریه)»، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۶.

شیخ، شجاعی؛ مرتضوی‌نیا، عباس. (۱۳۹۷). «نقد استدلال‌های داوکینز در نفی خدا»، مجله معرفت کلامی، سال نهم ش اول.

کوکبی، مرتضی؛ مصطفوی، اسماعیل. (۱۳۹۲). نظریه میمیتیک یا تکامل فرهنگی و رابطه آن با علم و اطلاعات و دانش‌شناسی، ش ۲.

محیطی اردکانی. محمد علی. (۱۳۹۲). پیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب، معرفت، ش ۱۸۸، صص ۴۲-۲۹.

موسوی، سید محمود؛ سموعی، نفیسه. (۱۳۹۲). اخلاق در اسارت ژن‌ها، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۲۱.

موسوی، سید محمود؛ سموعی، نفیسه. (۱۳۹۲). الحداد در نقاب تکامل‌گرایی، قباستان، ش ۱۵۲، ۱۸-۱۳۶.